

این وضع بکنواخت بدینگونه ادامه داشت؛ تا اینکه ابن ادریس حلی در نیمه دوم قرن ششم هجری دز شهر حله واقع در کشور عراق که در آن روزگار مرکز علمی شیعیان آن دیار بود مملوع نموده این وضع بکنواخت را عوض کرد و قهه را از حالت رکود بیرون آورد.

این ادریس در سایه نبوغ ذاتی و استمداد قوی و شهادت بی مانند و مهارتی که در علم قهه داشت، نخست بر علمای معاصر خود، خورده گرفت که چرا باید قبه و مجتهد، آزادی فکر را بجا بیاورد و ناقل آراء و مقلد افکار گذشتگان باشد و از خود، رأی و نظری که نشانه استقلال فکر و شخصیت قبه است؛ ابراز ندارد؟ (۱)

سپس بتحقیق و بررسی آراء شیخ الطائفه پرداخت و در کتب خود آنرا مورد تجزیه و تحلیل و نقیض و ابرام قرار داد. بطوریکه در یکجا آنرا میندیرفت و در جای تخطئه میکرد. در یک مورد فکر موج و نظر صائب شیخ را تحسین مینمود و در مورد دیگر بی پروا بر وی تاخته فتاوی و مدارک رأی او را بیساده انتقاد میکرد و بالاخره کار را با آنجا رسانید که در بعضی از موارد شیخ را با عبارات تند بیاد کرد و همین مطلب باعث شد که قهای عالیقدری مانند محقق اول و علامه سلی بر آشفته گردند و او را شخص مورد سرزنش قرار دهند!

با این وصف آنچه مسلم است بعد از رحلت شیخ الطائفه تا آخر قرن ششم از لحاظ مهارت در قهه و نبوغ و فکر سیال؛ قبهیی مانند ابن ادریس در آسمان قهاقت طلوع نکرد. قطب الدین راوندی، سدید الدین حمصی، ابوالکلام ابن زهره و شیخ ابوعلی فرزندان شیخ و سایر شاگردان شیخ و هموردان ایشان همه از قهای معروف این دوره هستند، ولی در عین حال هیچکدام مثل ابن ادریس انظار فقها را بخود معطوف نداشت، و فکرشان چون فکر او مورد توجه قرار نگرفت.

ولذا می بینیم آراء ابن ادریس در کتب فقهی بیش از قهای نامبرده مطرح نظر است. و در معرض بحث و بررسی واقع شده.

ابن ادریس در نظر محققین

ابن داود در رجال خود میگوید: «وی پیشوای قهای حله، در علوم متقن و دواوی تصنیفات بسیار است. . . .»

قبه بزرگ شهید اول قدس سره در اجازه خود او را با این عبارت «شیخ امام علامه

(۱) رجوع کنید به مقدمه کتاب سرائر

مفاخر کتب اسلام

قرن ششم هجری

محمد بن ادریس حلی

با انتشار این شماره، قرن ششم را پشت سر گذاشته وارد قرن هفتم میشویم و در این قرن نیز گروهی از مفاخر مکتب اسلام را بخوانندگان محترم معرفی میکنیم. محمد بن ادریس حلی معروف به «ابن ادریس». بزرگترین دانشمند قبه و نایب نامی این قرن است که بسال ۵۹۸ هجری در شهر حله بجهان باقی شتافت. شرح حال ابن ادریس در کتب رجال و تراجم از چند نظر مبهم و پراکنده و درهم پاشیده است. با اینکه در پیرامون احوال او بحث و بررسی زیادی بعمل آمده، مع الوصف همچنان نقاط تاریک و مبهم آن باقی است.

مانیز با کمال شتاب و نداشتن فرصت کافی شرح مختصر زیر را تنظیم نموده و اینک از لحاظ خوانندگان میگذرانیم؛ باشد که مطالعه آن گوشه ای از نقاط تاریک تاریخ حیات ابن ادریس را روشن سازد.

ابن ادریس و شیخ طوسی

بطوریکه در شماره هشتم سال اول ضمن شرح حال شیخ طوسی (زه) نوشتیم، مبانی علمی شیخ و مکتب متین و تصنیفات نفیس وی بقدری جامع و استوار و پراهمیت بود؛ که قهای مآتا حدود یک قرن و نیم خود را از اظهار نظر و رأی جدید بی نیاز میدانستند؛ و در هر مورد بقتواها و آرای شیخ اکتفا میکردند.

ببابت روشنتر آنها بملاحظه مقام بزرگ شیخ؛ که نزد همه «شیخ الطائفه» بود فقط ناقل آثار و حاکی آراء وی بودند و از خود چیزی نمی افزودند.

شیخ العلماء و رئیس المذهب و متوجه است . محقق دوم نیز در اجازه قاضی صفی الدین مینویسد «روایت میکنم تمام تصنیفات و روایات شیخ امام سعید محقق ؛ حیر العلماء ، فخر الملقب و الحق و العین ابی عبدالله محمد بن ادریس حلی را . . .»
 محدث عالی مقام شیخ حر عاملی در کتاب «امل الامل» مینویسد « دانشمندان متأخر ما ابن ادریس را بسیار ستوده اند و کتاب «سرائر» او را با آنچه در آخر آن از کتب و اصول متقدمین نقل کرده است ؛ مورد اعتماد قرار داده اند . . . علامه حلی و سایر علماء احوال او را در کتب استدلالی خرد نوشته و اکثر آنرا پذیرفته اند » همچنین دانشمند نامی شیخ یوسف بحرانی که از علمای معتدل اخباری است در «لؤلؤة البحرین» مینویسد: «وی فقیه و اصولی خالص و مجتهد صرف بود ؛ او نخستین کسی است که باب نکوهش از شیخ طوسی (ره) را بر وی دیگران گشود . و اگر نه قبیل ذوی دانشمندی که در عصر شیخ بودند غالباً بر او شیخ عمل میکردند تا آنکه نوبت باور رسید آنگاه محقق اول (مؤلف شرح) و علامه حلی در موارد بسیاری بنکوهش وی (ابن ادریس) پرداختند او و آراء او قوالش را بیاد انتقاد وطنه گرفتند . ولی حقیقت اینست که فضل و بزرگواری او در میان جامعه شیعه منکر ندارد ؛ بهترین تعبیر و تعریفی که نویسنده این سطور در کتب مربوطه راجع باین فقیه عظیم الشان دیده است ؛ چند سطر مختصر و دلپذیر و لطیف زیر است که شهید سعید قاضی نورالله شوشتری در کتاب نفیس مجالس المؤمنین نوشته است :

این عبارت کوتاه بقدری مناسب و جالب و استوار بقلم آمده است که بخوبی میتواند معرف کامل فخر الدین محمد بن ادریس حلی باشد ، قاضی نورالله مینویسد :

«در اشغال فهم و بلند پروازی از فخر الدین ؛ رازی بیش ؛ و در علم فقه و نکته هلازی از محققین ادریس ؛ شافعی در پیش است . کتاب «سرائر» که از جمله مصنفات شریفه اوست در دقت فهم و کثرت علم او دلیلی ظاهر و برهانی باهر است ؛ او را بر تصنیفات شیخ اجل ابو جعفر طوسی اباحت بسیار است ، و در اکثر مسائل فقهی او را خلافتی یا اعتراضی یا استدراکی هست .»

ابن ادریس خیر و احدر را نمیدرید

دانشمندان در کتب اصول ، اخبار معصومین علیهم السلام و اینگونه تقسیم کرده اند :
 خبر متواتر و خبر واحد ؛ خبر متواتر روایتی است که جمعی از راویان طوری آنرا نقل کرده اند

که بخودی خود ، انسان یقین برستی و واقعیت آن پیدا میکند . ولی خبر واحد عکس آنست یعنی به تنهایی و بدون انضمام قرائن خارجی مفید علم و یقین نیست .
 دانشمندان مادر کتب اصول بادلایهای متن ، خبر واحد را بدون انضمام قرینه پذیرفته و بحکم عقل آنرا مورد عمل قرار میدهند . ولی جمعی که ابن ادریس از جمله آنهاست نظر باینکه خبر واحد مفیدظن و گمان است ، آنرا نپذیرفته و به مفاد آن عمل نکرده اند .
 نظریه آنها در کتب استدلالی مورد بررسی کامل قرار گرفته و پاسخهای کافی بآن داده شده ، بطوریکه بعد از ابن ادریس تاکنون دیگر آن نظریه متروک شده و از درجه اعتبار افتاده است .

گنشته از مغالفتی که ابن ادریس با مکتب شیخ نمود و برای او گران تمام شد موضوع مخالفت وی با سایر فقها در مسئله خبر واحد ؛ نیز بیشتر موجب سروصدا گردید .
 در میان فقهای ماتنها ابن ادریس نیست که خبر واحد را حجت و معتبر نمیداند بلکه چنانکه خواهیم دید ؛ جز او جمعی هم بدین عقیده اند ؛ باین فرق که ابن ادریس بواسطه مزاج حادی که داشته طبق معمول بیش از دیگران آنرا دنبال کرده و برای قبولانیدن آن با فشاری نموده است . تا جائیکه نظریه او را در این باره مورد گفتگوی بسیار واقع شده ، جمعی از او سخت انتقاد نموده و گروهی بدفاع و توضیح مقصد وی برخاسته و بر مخالفین او اعتراض کرده و حمله آنها را بی انصافی در حق ابن ادریس دانسته اند .

ابن داود که معاصر علامه حلی است در رجال خود مینویسد : «ابن ادریس بکلی از اخبار اهل بیت دوری جسته است » مؤلف «نقد الرجال» میگوید : ابن داود بهمین دلیل ابن ادریس را در باب «ضعفا» نام برده ولی بهترین بود که او را در باب «معدوحین» ذکر میکرد ؛ دانشمند رجالی مشهور شیخ ابوعلی حائری در کتاب «منتهی المقال» بعد از نقل عبارت مزبور میگوید : «اگر اگرمی گوئی ابن داود وعدم رعایت جهت انصاف او بر کسی پوشیده نیست . چه که نکوهش از این دانشمند بزرگ مخصوصاً باین علتی که ذکر کرده (که چون خبر واحد را معتبر نمیدانسته ، بکلی از اخبار اهل بیت دوری جسته) چندان بی پایه است که حد ندارد .»

زیرا اولاً ؛ عمل کردن ابن ادریس و اعتقاد وی به بسیاری از اخبار مخصوصاً اخباری که او در آخر سرائر از کتب قدما آورده است چیزی نیست که بر اهل دانش پوشیده باشد

تألیف در میان فقهای ما تنها ابن ادریس نیست که عمل بخبر واحد کرده بلکه جمعی از بزرگان علماء مانند سید مرتضی و ابوالکلام ابن زهره و ابن قبه و غیرهم نیز عمل بخبر واحد را معتبر نمیدانند.

پس اگر عمل نکردن بخبر واحد موجب تضعیف ابن ادریس باشد؛ باید این بزرگان را هم تضعیف کرد. در صورتیکه هیچکس آنها را ضعیف ندانسته.

مؤلف لؤلؤة البحرین نیز در این خصوص در دفاع از ابن ادریس میگوید: اگر او در مسئله ای از مسائل فقه (خبر واحد) یا شباهت داشته باشد؛ موجب این نمیشود که او را اینطور مورد سرزنش قرار داد، زیرا بسیاری از دانشمندان امثال او را میبینیم که اینگونه اشتباهات داشته اند بخصوص در امثال این مسئله (یعنی عمل نمودن بخبر واحد).

آیا ابن ادریس نوة شیخ طوسی است؟

اغلب علمای تراجم، ابن ادریس را نواده شیخ دانسته اند، بدون اینکه تا کنون معلوم شده باشد که وی از کجا و چگونه بشیخ می پیوندد. یکی مادر او را دختر شیخ میدانند و دیگری شیخ را دایی او دانسته و سومی شخصی بنام مسعود بن ورام را که تا کنون هویت او معلوم نگشته چندمادری او بزرگ شیخ معرفی کرده است. و چهارمی مسعود بن ورام را؛ همان مسعودی مؤلف مروج الذهب جد شیخ طوسی وجد مادری ابن ادریس میدانند. این اقوال پریشان بقدری باهم ضد و نقیض هستند؛ که نمیتوان آنها را جمع و جور کرد.

محدث متبحر حاج میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک، چون چیزی از اقوال مربوطه دستگیرش نشده؛ میگوید: این اقوال، گذشته از اینکه فقط تخمین است و مأخذ محکمی ندارد، اصولاً از محالات عادی به شمار میرود.

مانیز چندان که در کتاب «سرازم» نگرستیم جایی نیافتیم که ابن ادریس شیخ را جد خود دانسته و اعتراف باین نسبت نموده باشد؛ شاید در فرصت بیشتر، بخواست خداوند بتوانیم بحل این مطلب پیچیده توفیق یابیم.

میلاد و وفات وی

در اینکه ابن دانشمند نامور در چه تاریخی متولد شده و چند سال در جهان زیسته و چه سالی وفات یافته است، نیز گفتار پراکنده بسیار است. مادر اینجا بدون اینکه نقل آن

مبادرت ورزیم؛ فقط بنقل یک مورد که حل موضوع هم بسته بآست اکتفا نموده مطلب را خاتمه میدهیم.

در لؤلؤة البحرین از رساله مشهور کفعمی که در باره وفیات دانشمندان نوشته نقل میکند که گفته است ابن ادریس فرموده: «من در سال ۵۵۸ بالغ گشتم» سپس از صالح فرزند وی نقل میکند که گفت: «بدرم محمد بن ادریس روز جمعه وقت ظهر روز هجدهم ماه شوال سال ۵۹۸ وفات یافت».

بنابر این چنانکه بر خواننده پوشیده نیست تولد ابن ادریس سنه ۵۴۳ و مدت عمر او ۵۵ سال میباشد. جای بسی تعجب است که عالم معروف شیخ ابوعلی در «منتهی المقال» عمر او را ۲۵ و دانشمند جلیل شیخ عبدالله مقانی در «تفیح المقال» ۳۵ سال میدانند و بالینکه هر دو مطلب فوق را از کفعمی نقل کرده اند میگویند: «در این زمانها و البته عوام مشهور است که عمر ابن ادریس بواسطه اسامه ادب بقیام جدش شیخ طوسی کوتاه گشت» در صورتیکه با توضیحی که ما دادیم؛ مطلب اینطور نیست و باید این را از اغلاط مشهوره دانست.

تأثیر وجود عالم در جامعه

صاحب دلی ب مدرسه آمد ز خانقاه
ب شکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن کلیم خویش برون میرد ز موج
وزین سعی میکند که بگیرد غریق را

* * *

گفت عالم بگوش دل بشنو
ور نماید بگفتش کردار
مرد باید که کیر داند کوش
ور نبشته است پند بر دیوار
غلط است آنچه مدعی گوید
خفته را خفته کی کند بیدار

افتتاح يك مركز باشكوه ديني

اخيراً در شب هفدهم ماه ربيع الاول كه مصادف با ميلاد با سعادت پيغمبر اسلام صلي الله عليه وآله بود؛ مدرسة ديني جديد البنائي، باشكوهي هر چه عاليتر با حضور آيت الله العظمي آقاي بروجردي دامت بر كانه افتتاح شد. پدین مناسب مكتب اسلام شرح زیر در جهت اطلاع خوانندگان ارجمند در پیرامون این بنای باشکوه تهیه و بعنوان قسمتی از تحولات داخلی حوزه علمیه منتشر میسازد.

مدرسه فعلی که از طرف حضرت آیت الله العظمی تجدید بنا شده؛ سابقاً مدرسة يك طبقه و دارای چهارده اطاق و مشهور بمدرسه خان بود که در سال ۱۱۲۳ هجری توسط مرحوم مهدیقلیخان ساخته شده بود. (التريمه جلد ۷ صفحه ۱۵۳)

مدرسه خان در این اواخر تقریباً از قابلیت انتفاع افتاده و چندان قابل سکونت نبود. اطاقها تاریک و مرطوب و از هر لحاظ دارای وضع ناگواری بود. بهین جهت حضرت آیت الله تصمیم گرفتند آنرا بصورت یکی از بهترین مدارس مناسب با وضع روز که از هر حیث قابل استفاده باشد در آورند. مهندسين قبلایس از بررسی و مطالعه هزینه بنای آن را در دو طبقه از سیصد هزار تا چهارصد هزار تومان بر آورد کرده بودند، ولی اینک که بنای آن خاتمه یافته، بر اثر حسن عمل و دقتی که در مصرف هزینه آن بعمل آمده، در سه طبقه مجلل و زیبا و مجهز بتمام وسائل با مستغلات آن، بالغ بر دو بیست و پنج هزار تومان با تمام رسیده است؛ بطوریکه بیننده نمیتواند باور کند که این مبلغ اندک بمصرف چنین بنای عظیم و زیبایی رسیده باشد.

بر سر در مدرسة با خطاطی نوشته است: حسب الامر زعيم بزرگ شريفه حضرت آيت الله العظمي آقاي حاج آقا حسين طباطبائي بروجردي مد ظله العالي در ماه رجب ۱۳۷۸ قمری مجدداً بنیان گذاری شد و در شوال ۱۳۷۹ پایان یافت.

همانطور که گفتیم این مدرسه قبلاً معروف بمدرسه خان بود، موقع شروع بنا، ساختمان قدیم را خراب کرده ۵۰۰ متر زمین آنرا که جمماً ۷۸۰ بوده؛ زیر بنا کرده و از چهار سمت شروع ساختمان کردند.



مصلح ساختمانی آن همه از آجر و آهن و بتون آرمه است. زیر بنا را تا یک متر و نیم خالی گذارده اند تا از سرایت و طوبیت محفوظ باشد، و پشت بام را بطرز جالبی اسفالت کرده اند. مدرسه دارای ۵۹ اطاق است که جمماً گنجایش بیش از صد نفر محصل را دارد. اطاق ها همه تمیز و روشن و هر اطاق برای سکونت دو نفر محصل کافی است.

هر طبقه تمام وسائل مورد احتیاج خودش را دارد. علاوه حوضخانه مجهز و جدا گانه ای هم برای لباس شویی و احتیاجات دیگر محصلین در ضلع شرقی طبقه پایین قرارداد. درپ ورودی و اغلب درپ اطاقها و پنجره ها آهنی است. مدرسه دارای يك مدرس محل تدریس و بحث دروس محصلین و يك کتابخانه است که بناس حضرت آیت الله کتابهای آنرا خریداری فرموده و در اختیار محصلین مدرسه قرار دهند. بسیار بوقوع است مردم نیکو کار و مخصوصاً آقایان مؤلفین از اهداء و خرید و ارسال کتاب بکتابخانه مدرسه که از هر جهت بمورد است غفلت نوزند. هر يك از اطاقها از زیلوی رنگی و دو قابلیچه مفروش میشود.

مستغلات مدرسة عبارت از قطعه زمینی است که قبلاً از مدرسة خان جدا و دو کوچه اعتضاد الدوله بی مصرف خانه بود. معظم له آنرا بمبلغ هفده هزار تومان خریداری فرموده و هم اکنون در دو طبقه ساختمان شده است؛ طبقه پایین دارای سه مغازه و طبقه بالا پنج اطاق و يك سالون مجهز بتمام لوازم اختصاصی است که بوقوع میتوان از آن بعنوان يك بیمارستان کوچک برای محصلین مدرسه استفاده کرد.

نمای خارجی مدرسة در ضلع شرقی میدان آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها جنب گنبد خان، یکی از جالبترین بناهای جدید قم است، که خود بر زیبایی میدان مزبور افزوده و مخصوصاً برای کسانی که محل قبلی آنرا دیده اند، بسیار جالب و دیدنی است. از طرف حضرت آیت الله پنج نفر از علمای حوزه علمیه بسمت هیئت مدیره مدرسه تعیین شدند، که در امتحانات و نظارت بر امور محصلین مدرسه رسیدگی نمایند.

امیدواریم معظم له با توجه مخصوصی که به بنا و تعمیر مدارس و مساجد و اماکن دینی و تأسیس کتابخانه ها و تألیف و چاپ و انتشار کتب منہی و امور مربوط باهل علم دارند، بیش از پیش موفق شوند تا منویات عالی خود را یکی پس از دیگری جامه عمل بپوشانند.